

ولایت، غرض همه ادیان الهی است

در اینجا دو مسأله وجود دارد؛ یکی این که خطاب «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» آیا در روز غدیر از ناحیه خداوند به پیغمبر اکرم القاء شده یا قبل از آن بوده است؟



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله على أعدائهم أجمعين

دو آیه که در روز هجدهم ذی الحجة نازل شد

دوستان خطاباتى را که در چنین روزى به پیغمبر اکرم شد، زیاد شنیده‌اند؛ یکى در مورد تبلیغ بود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» و یکى هم درباره اكمال دين بود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا».

در اینجا دو مسأله وجود دارد؛ یکى این که خطاب «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» آیا در روز غدیر از ناحیه خداوند به پیغمبر اکرم القاء شده یا قبل از آن بوده است؟ یعنى آیا بعد از آنکه حج تمام شد و پیغمبر اکرم داشتند به سوى مدینه تشریف می‌آوردند، به ایشان امر شد که ولایت علی (علیه‌السلام) که مظهر تام ولایت است را به مردم برسانند؟ یا در زمان دیگری بود؟ مورخین این قضیه را مختلف نقل کرده‌اند. مطلب دیگر این است که چه نسبتي که بین رسالت و ولایت وجود دارد؟

زمان «امروز به نصب» امروز نبود

در مورد مسأله اول باید بگوئیم که چنین نبوده است که خدای متعال امروز یا در این موسم حج به پیغمبر اکرم این معنا را القا کرده باشد. بلکه این، مطلبی بود که خداوند مکرر در مکرر به پیغمبر اکرم فرموده بودند. یکى از مواردی که به پیغمبر اکرم این معنا القا شد و بالاترین مورد القای این معنا نیز هست، زملائی بود که پیغمبر اکرم به معراج رفت. خدای متعال این امر را در آنجا و در بالاترین مقام به پیغمبر القا فرمود. مسأله ولایت علی (علیه‌السلام) از آنجا سرچشمه می‌گیرد.

یک روایت با سندى عالی

در این مطلب، نکات بسیار لطیف، بالا و والای معرفتی وجود دارد که چرا در معراج این معنا به پیغمبر اکرم القا شد. حالا من روایتی را می‌خوانم که در همین مورد است. روایت از امام صادق (صلوات‌الله علیه) است که ایشان از پدر بزرگوارشان امام باقر (صلوات‌الله علیه) نقل می‌کنند، ایشان هم از علی‌بن‌الحسین زین‌العابدین (صلوات‌الله علیه)، آن حضرت هم از پدر بزرگوارش امام حسین (علیه‌السلام) روایت را نقل می‌کنند تا به پیغمبر اکرم می‌رسد. پس سند روایت بسیار عالی و والا است؛ چون در این سند، همه راویان از معصومین (صلوات‌الله علیهم اجمعین) هستند.

سخن گفتن رو در روی خدا با پیغمبرش

روایت این است: «قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) لَيْلَةُ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ كَلَّمَنِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ» پیغمبر اکرم فرمود: در شبی که مرا به سوى آسمان‌ها بردند، پروردگارم با من سخن گفت. اولاً این شب همان شب معراج است که قرآن کریم می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» نکته دیگر این است که ظاهراً این صحبت کردن خدای متعال با پیغمبر، بدون حجاب بوده است؛ چون که «مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» ندارد.

ما در روایات داریم که وقتی خداوند با دیگر انبیایش سخن می‌گفت به آن‌ها وحی می‌کرد و از پس حجاب با آنها ارتباط برقرار می‌کرد، ولی این سخن گفتن با پیغمبر خاتم و در شب معراج، وحی از ورای حجاب نبود، بلکه خدا رویارو با آن حضرت صحبت می‌کرد. عبارت «كَلَّمَنِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ» هم همین معنا را درباره کیفیت صحبت می‌رساند که خداوند در شب معراج یک صحبت رویارو با آن حضرت رسول داشته است.

بعد از تو، علی (علیه‌السلام) حجت من است

ریشه و اصل ولایت امیرالمؤمنین

[#171&؛ امر به نصب» در شب معراج](#)

تفاوت «إخبار به نصب» با «دستور به آن»

تقديم ولايت بر رسالت

همه کارهای بیغیر، به دستور الهی بود

نمونه‌ای از تقدّم ولایت بر رسالت

قدرت گرفته از پرتال شمس - ITShams.ir

شانه‌های پیغمبر اکرم می‌گذارد و بالا می‌رود تا بت‌ها را سرنگون کند. ببینید در اینجا رسول، پل و گذرگاهی است برای اینکه ولایت کار خودش را انجام دهد. نقش اساسی مربوط به ولایت است و رسالت گذرگاه است. بنابراین صحیح، این است که عبارت مشهور را بر عکس کنیم و بگوییم «رسالت، کمک ولایت است» نه اینکه ولایت، کمک رسالت باشد.

امر خدا بود که علی پا بر شانه رسول خدا بگذارد

این عمل و فعل خارجی رسول خدا، اتفاقی نیست که مثلاً دو نفر به هم رسیده باشند و یکی بگوید: تو بالا برو و بت‌ها را بشکن! تمام این‌ها حساب شده است. اصلاً پیغمبر اکرم از ناحیه خدا اجازه نداشت که علی (علیه السلام) را نگه دارد تا خودش پایش را روی شانه او بگذارد و بت‌ها را سرنگون کند. حضرت چنین وظیفه‌ای نداشت. وظیفه پیغمبر همین بود که از علی (علیه السلام) بخواهد که او بالا رود و این کار را انجام دهد. اینها همه حساب شده بوده و از معانی بسیار بالایی است که گویای حقایقی است که در پشت پرده ظاهر است. همه اینها گویای این حقیقت است که رسالت، گذرگاهی برای ولایت است و این ولایت است که کار اساسی را انجام می‌دهد.

بررسی یک شبهه؛ پیغمبر، صاحب ولایت و رسالت

در اینجا نکته‌ای را بگویم که یک وقت اشتباه نشود؛ ممکن است کسی بگوید: مگر پیغمبر اکرم دارای ولایت نبود که شما این حرف‌ها را می‌زنید؟ جواب این است که بله؛ پیغمبر اکرم هم دارای ولایت بود و اصلاً حضرت «مجمع دو عنوان رسالت و ولایت» بود، اما نکته اینجا است که ایشان از نظر خارجی، «مظهر رسالت» بود.

چگونگی تشخیص کارهای رسالی و ولایی رسول خدا

حال اگر ما بخواهیم در وجود پیغمبر و نسبت به کارهایی که ایشان انجام دادند، تفکیک کنیم و ببینیم که کدام کار مربوط به جنبه رسالت ایشان است و کدام مربوط به جنبه ولایت است، چه باید بکنیم؟ چون ایشان هر دو جنبه را دارند. اما از کجا بفهمیم که این کار مربوط به جنبه رسالت است یا ولایت چه باید بکنیم؟ اینجا است که آن موجودی که مظهر ولایت است، نقش ولایت را ایفا می‌کند و آن کسی که مظهر رسالت است، نقش رسالت را باید ایفا کند؛ ولو اینکه آن موجودی که مظهر رسالت است، مظهر ولایت هم باشد.

لذا در آن روز که باید کار نهایی صورت پذیرد، وظیفه پیغمبر اکرم این است که بایستد و گذرگاه ولایت شود تا ولایت کار اساسی‌اش را انجام دهد. اهمیت ولایت در این جهت است.

کار نهایی با ولایت است

حالا ما یک سنخ اصطلاحاتی داریم که به کار هم گرفته می‌شود؛ مثلاً در این آیه هم، همین مطلب آمده است که رسالت نقش ارائه طریق دارد و ولایت، ایصال به مطلوب می‌کند؛ یعنی یکی راه را نشان می‌دهد و دیگری دست انسان را گرفته و او را به هدف نهایی می‌رساند.

اگر دقت کنید می‌بینید که همه این اعمال حضرت نیز با این بحث تطبیق می‌کند؛ چرا که پیغمبر می‌ایستد و به علی می‌گوید که بالا برو! این ارائه طریق است. راه هدایت این است که بت‌ها شکسته شوند. اما چه کسی عملاً بت‌ها را می‌شکند؟ چه کسی حقیقتاً ایصال به مطلوب می‌کند و کار اساسی و نهایی را انجام می‌دهد؟ شما می‌بینید ولایت است که نقش ایصال به مطلوب دارد.

ولایت یعنی ایصال به مطلوب نه تبلیغ

این اصطلاح اهل معرفت درست است و کار رسول با ولی فرق دارد. همه انبیاء که رسولان الهی هستند، کارشان تبلیغ است؛ «یا ایها النبی، یا ایها الرسول و...» هر کدام از این خطاب‌ها می‌گوید: «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»؛ و بیش از این وظیفه‌ای متوجه آن‌ها نیست. تنها وظیفه‌شان ابلاغ و ارائه طریق است. اما آنکه دست انسان را می‌گیرد و او را به مقصد می‌رساند، ولایت است.

«ایمان» بعد از اسلام و «ولایت» شرط ایمان است

شما به روایاتی که در باب ایمان داریم، نگاه کنید! می‌شود گفت که سرآمد روایات در ارتباط با ولایت، آنجا است و حرفی از رسالت در میان نیست. در روایات گاهی بین اسلام و ایمان تفکیک می‌شود و می‌گویند که اسلام یک چیز ابتدایی و صرفاً یک گذرگاه است؛ اسلام گذرگاهی برای رسیدن به توقفگاه ولایت است. لذا می‌بینیم که می‌فرمایند: «حُبُّ عَلِيٍّ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ».

چرا «حبّ پیغمبر» نشانه ایمان نیست؟

آیا شما حتی یک روایت دیده‌اید که بگوید: «حبّ محمد ایمان؟» ما چقدر روایت از خود پیغمبر اکرم داریم که ایمان را مختصّ در صاحب ولایت و مظهر آن یعنی حضرت علی (علیه السلام) می‌داند! خود پیغمبر اکرم مظهر ولایت و منبع ولایت است، اما فعلاً در خارج به عنوان رسول مطرح بوده و مظهر رسالت است نه ولایت؛ برای همین کمال ایمان را در مظهر ولایت معرّفی می‌کنند. نه اینکه حضرت رسول اِعمال ولایت نمی‌کند؛ می‌کند، ولی فعلاً مظهر ولایت ایشان نیست.

دین مورد رضایت خدا، دین با ولایت است

من نمی‌خواهم تفسیر بگویم، ولی اینجا که قرآن می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» معنایش این است که «دینی که مرضی خداوند است، تنها ارائه طریق نمی‌کند، بلکه دینی است که انسان‌ها را به خدا می‌رساند». ایصال به مطلوب هم با ولایت ممکن است. دین مورد پسند و رضایت خدا باید عملاً شرک‌شکن باشد و حقیقتاً انسان‌ها را به توحید برساند نه اینکه فقط راه توحید را به آنها نشان دهد. دین کامل و نعمت تمام، این است که از انسان‌ها دستگیری کند و آنها را واقعاً موحد کند. این دین، مرضی خدا است.

ولایت یعنی «عمل» نه «حرف»

لذا مسائل زیادی در کنار این مطلب مطرح می‌شود؛ مثلاً مساله ولایت ظاهری و باطنی، ولایت در سطح جامعه و... با این توضیحات می‌فهمیم که ولایت، جنبه عملی دارد. در ولایت، کار و عمل مطرح است، نه تبیین و توضیح. لذا مبین احکام، رسول است و مجری آنها در سطح جامعه، کار صاحب ولایت است. برای همین است که می‌بینیم ولایت اصلاً جنبه ارشادی ندارد. مثلاً یک پدر که ولی فرزند خویش است، عملاً دست او را می‌گیرد و این طرف و آن طرف می‌برد. به این می‌گویند: «ولی».

علی، امام «اهل طاعت» است نه «اهل حرف»

برای همین است که در ذیل روایت آمده است که خداوند فرمود: «إِنَّ عَلِيًّا حَظَّتْ بِعَدَكِ عَلَى خَلْقِي وَ إِمَامُ أَهْلِ طَاعَتِي». علی پیشوای اهل طاعت است. در اینجا مسأله عمل مطرح شده است. «امام اهل طاعتی» یعنی علی امام کسی است که اهل عمل است. اینجا دیگر بحث حرف نیست، حرف بیان احکام هم نیست. حتی اعتقاد به حکم ظاهری هم مطرح نیست؛ «امام اهل طاعتی».

علی، پدری است که دست فرزندش را می‌گیرد

«من أطاعه أطيعني و من عصاه عصاني» یعنی علی (علیه السلام) دست هر کسی را که گرفت، به سویی سوق داد و او هم با علی همسفر شد و رفت، علی او را به مطلوب، ایصال می‌کند. دست علی، دست خدا است. لذا طاعت علی، طاعت خدا است؛ این مثل پدری است که ولی فرزندش بوده و دست او را می‌گیرد و راه می‌برد. «من عصاه عصاني» هر کس هم که عملاً از او سرپیچی کند مرا عصیان مرا کرده است. مثل اینکه دستش را از دست من جدا کرده است. بعد از همه اینها خداوند می‌فرماید که «فَانْصِبْهُ عِلْمًا لِأَمْرِكَ يَهْتَدُونَ بِهِ بَعْدَكَ».

خلاصه بحث

من دو مطلب را می‌خواستم عرض کنم؛

یکی اینکه مأموریت نصب، اختصاصی به موسم حج نداشت که این مأموریت به پیغمبر اکرم داده شد. این مأموریت بین پیغمبر اکرم و ربّش در شب معراج واقع گردید. اِخبار قبل از آن هم بود و خود پیغمبر اکرم هم این مطلب را می‌دانست، لذا از همان اول هم آن را می‌فرمود؛ اما مأموریت در شب معراج واگذار گردید.

مطلب دیگر اینکه نسبت بین رسالت و ولایت چه نسبتی است؟ باید گفت که رسالت - بما انها رسالة - گذرگاهی برای ولایت است و ولایت است که اساس کار بوده و کار اصلی را به سرانجام می‌رساند. اگر ولایت نبود، رسالت لغو بود. اگر ولایت نبود، لغویت نسبت به رسالت لازم می‌آمد. چون مقصد همه ادیان همان ولایت و امامت است و بس.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی آیت‌الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی